



بشارت بهشت بر شیعیان حضرت زهرا(علیهاالسلام)

همانطور که رسول اکرم به شیعیان امیرالمؤمنین و فرزندان معصومش(علیهم السلام) بشارت بهشت را داده است و در منقبت و عظمت مقام آنان مطالبی بیان داشته‌اند، نسبت به شیعیان حضرت زهرا (علیهاالسلام) نیز دقیقاً با ذکر همان مناقب مزدهی بهشت داده‌اند.

همانطور که رسول اکرم به شیعیان امیرالمؤمنین و فرزندان معصومش(علیهم السلام) بشارت بهشت را داده است و در منقبت و عظمت مقام آنان مطالبی بیان داشته‌اند، نسبت به شیعیان حضرت زهرا (علیهاالسلام) نیز دقیقاً با ذکر همان مناقب مزدهی بهشت داده‌اند.

به گزارش «شیعه نیوز» به نقل از پایگاه اطلاع رسانی حج، شیعه یعنی تابع و پیرو و اقتداکننده، شیعه‌ای(علیهاالسلام) کسی است که از امام علی(علیه‌السلام) هدایت می‌یابد و همراه او و متمسک و دست به دامن اوست. شیعه حضرت فاطمه(علیهاالسلام) در اخبار عیناً در ردیف شیعیان علی است. گاه پیامبر اکرم در مدح شیعیان امیرالمؤمنین سخن می‌گوید، و گاه در منقبت شیعیان حضرت فاطمه(سلام‌الله علیها) و همین روش رسول خدا نشانگر این است که حضرت زهرا(علیهاالسلام) خود استقلال دارد و دارای کرامات و مقام والا و صاحب ولایت کبری می‌باشد.

جابر بن عبدالله از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت می‌کند که فرمود:

«هنگامی که روز قیامت فرارسد، دخترم فاطمه سوار بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشتی وارد عرصه محشر می‌شود، که مهار آن ناقه از مروارید درخشان و چهارپای آن از زمرد سبز، دنباله‌اش از مشک بهشتی، چشمانش از یاقوت سرخ، و بر فراز آن، قبه‌ای(خیمه‌ای) از نور، که بیرون آن از درونش و درون آن از بیرونش نمایان است. فضای داخل آن قبه، انوار عفو الهی و خارج آن خیمه، پرتو رحمت خدایی است. و بر فرازش تاجی از نور که دارای هفتاد پایه است از درّ و یاقوت که همانند ستارگان درخشان در افق آسمان نورافشانند. از جانب راست آن مرکب هفتاد هزار ملک، و از طرف چپ آن هفتاد هزار فرشته است - و جبرئیل در حالی که مهار ناقه را گرفته است - با صدای بلند ندا می‌کند: نگاه خود را فراسوی خویش بگیرید، و نظرها به پایین افکنید، این فاطمه دختر محمد است که عبور می‌کند. در آن هنگام، حتی انبیا و صدیقین و شهدا همگی از ادب، دیده فرو می‌گیرند؛ تا این که حضرت فاطمه(علیهاالسلام) عبور می‌کند و در مقابل عرش پروردگارش قرار می‌گیرد.

آنگاه از جانب خدا جل جلاله ندا می‌شود: ای محبوبه‌ی من، و ای دختر حبیب من، بخواه از من آنچه می‌خواهی؛ تا عطايت کنم و شفاعت کن هر که را مایلی تا قبول فرمایم. در جواب عرضه می‌دارد: ای خدای من، و ای مولای من، دریاب ذریه‌ی مرا، شیعیان مرا، پیروان مرا، و دوستان ذریه‌ی مرا.

بار دیگر از جانب حق خطاب می‌رسد: کجا هستند ذریه فاطمه و پیروان او؟ کجا ایند دوستدارانش، و دوستداران ذریه‌ی او؟ در آن هنگام جماعتی به پیش می‌آیند و فرشتگان رحمت آنان را از هر سوی در میان می‌گیرند. و حضرت فاطمه(علیهاالسلام) در حالی که پیشگام آنهاست همگی را همراه خود به بهشت وارد می‌فرماید.»(1)

در حدیث دیگری از حضرت رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) منقول است که فرمود:

«پس آنگاه جبرئیل عرض می‌کند: ای فاطمه، هر چه می‌خواهی از خدای خویش طلب کن. حضرت فاطمه(علیهاالسلام) عرض می‌کند: خدایا، شیعیان مرا دریاب. خطاب می‌رسد: همه شیعیان تو را آمرزیدم. عرضه می‌دارد: پروردگارا، شیعه فرزندانم را نیز نجات بده. ندا می‌آید: همه آنان را بخشیدم؛ یا فاطمه، اینک در میان اهل محشر برو و هر کسی که به تو پناهنده شود، همراه تو به بهشت وارد خواهد شد. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) سپس به سخنان چنین ادامه داد: در آن هنگام همه مردم آرزو می‌کنند که ای کاش ما نیز فاطمی بودیم. یا فاطمه، در چنین روزی است که شیعیان تو، پیروان اولاد تو، و شیعیان امیرالمؤمنین در پی تو به سلامت وارد بهشت می‌شوند.»(2)

جناب جابر در يك حدیث مفصل از حضرت باقر(سلام‌الله‌علیه) نقل می‌کند که فرمود:

«به خدا قسم یا جابر، این است همان روزی که مادرم زهرا شیعیان خود را از میان اهل محشر جدا می‌کند چنان مرغی که دانه‌های خوب را از بد جدا می‌سازد. و چون همراه فاطمه شیعیانش به در بهشت می‌رسند، خدا در قلب آنان چنین الفاء می‌فرماید که به پشت سر خویش نگاه کنند؛ آنگاه که به عقب سر خود نظر افکنند، از جانب خدای تعالی خطاب می‌شود: سبب چیست که شما به پشت سرتان نگاه می‌کنید؟ من که شفاعت فاطمه دخترم حبیبم محمد را درباره شما پذیرفتم. عرض می‌کنند: پروردگارا دوست می‌داریم قدر و منزلت ما شیعیان فاطمه در چنین روزی شناخته شود. پس، از جانب خدای تعالی خطاب می‌شود: ای دوستان من برگردید، برگردید (به صحنه محشر)، نظر افکنید (در میان آن جماعت و) هر کس را که برای دوستی فاطمه شما را دوست داشته است هر کس را که به خاطر زهرا به شما دوستداران فاطمه اطعام کرده؛ نیکی نموده، و با جرعه آبی سیرابتان کرده، و یا از غیبت افراد درباره شما مانع شده است؛ دست او را بگیرید و به بهشت واردش کنید، سپس حضرت ابوجعفر(امام باقر) علیه‌السلام اضافه فرمود: به خدا سوگند از برکت محبت جده‌ام زهرا کسی بر جای نمی‌ماند جز آن کسی که نسبت به مقام والای آل محمد تردید داشته و یا کافر و یا منافق باشد.»(3)

عاصمی در کتاب زین الفتی - در بخش «الشراط الساعه» - از سلمان چنین روایت می‌کند که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود:

«ای سلمان، قسم به وجود مقدسی که مرا به پیامبری مبعوث فرموده است، در روز قیامت، من دامن جبرئیل (نماینده‌ی خدای عز و جل را می‌گیرم، و علی دامن مرا، و فاطمه دامن علی را، و حسن دامن فاطمه را، و حسین دامن حسن را، و شیعیانشان دست به دامن آنها هستند. یا سلمان، آیا گمان می‌کنی، خدای تعالی پیامبرش را (پناهنده‌ی خود را) کجا می‌برد؟ و پیامبر، برادرش علی را؟ و علی همسرش زهرا را؟ و فاطمه دو فرزندش را؟ و آنها شیعیانشان را کجا خواهند برد؟ سپس پیامبر اکرم سه بار تکرار فرمودند: ای سلمان قسم به خدای که به شیعیان فاطمه می‌برد؛ و این پیمانی است که جبرئیل از جانب پروردگار جهانیان وعده داده است.» اعتراف و ایقان به ولایت حضرت صدیقه سلام‌الله‌علیها، و اظهار تشیع و دوستی نسبت به او، در زیارت مخصوص آن حضرت نیز با این جملات بیان شده است: «خدایا شاهد باش که من از شیعیان زهرا و از دوستان اویم و معتقد به ولایت آن حضرت هستم.»(4)

با توجه به اینکه حضرت فاطمه صدیقه(سلام‌الله‌علیها) در والاترین مناقب و برترین مقامات با پدر و همسر و فرزندانش مشترك است و با در نظر گرفتن مطالبی که نسبت به مراتب عالی آن حضرت در روز قیامت بیان شد، و بشارت‌هایی که درباره شیعیانش از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) نقل شده است، هرگز معقول نیست که صاحب این مقامات عالی‌ه ولیة‌الله نباشد.

مطالبی را که بیان شد، از اخباری که در علت نامگذاری حضرت صدیقه (سلام الله علیها) به اسمی «فاطمه» و «بتول» وارد شده است می‌توان استفاده کرد. فاطمه اسمی است که از اسماء حق تبارک و تعالی مشتق گردیده، و بر عرش و بهشت چنین نوشته شده است: «انا الفاطر و هذه فاطمه.»

پی‌نوشت‌ها:

1- امالی صدوق، ص 25، بحارالانوار، ج 43/ 220-219.

2- یعنی: (چشمان خود فرو بندید تا فاطمه عبور نماید). این جمله در روایات متعدد با عبارات مختلفی ایراد گردیده است، که از آن قبیل است:

«غضوا ابصارکم حتی تجوز فاطمه الصدیقه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و من معها.»

«غضوا ابصارکم کم لتجوز فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم سیده نساء العالمین علی الصراط.»

«غضوا ابصارکم و نکسوا روسکم.»

«غضوا ابصارکم تمر فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.»

«غضوا ابصارکم حتی تعبر فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم.»

«غضوا ابصارکم حتی تمر فاطمه بنت حبیب الله صلی الله علیه و آله و سلم.»

«غضوا الابصار فان هذه فاطمه تسیر.»

«غضوا ابصارکم فهذه فاطمه بنت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تمر علی الصراط.»

«نکسوا روسکم و غضوا ابصارکم حتی تجوز فاطمه علی الصراط.»

«طاطاوا الروس و غضوا الابصار، فان هذه فاطمه تسیر الی الجنة.»

حاکم نيسابوري درباره روایت فوق می‌گوید: «این حدیث - علی شرط الشیخین (یعنی بر مبنای شرط بخاری و مسلم) - صحیح است.» (مستدرک حاکم، ج 3/153).

این ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه، ج 9/193 پس از نقل این روایت چنین می‌گوید: «و هذا من الاحادیث الصحیحه. و لیس من الاخبار المستضعفه»؛ یعنی این روایت از احادیث صحیحه می‌باشد و از جمله احادیث ضعیف نیست.

بعضی از مصادر این روایت در کتب عامه از این قرار است: معجم کبیر طبرانی، ج 1/108 ح 180، مستدرک حاکم، ج 3/153، 161، اسدالغابه، ج 5/523، تلخیص المستدرک، ج 3/153، فراند السمطین، ج 2/49 ح 380، الصواعق المحرقه ص 289، کنزالعمال، ج 12/105 ص 106، ج 108/34219 ح 109، ج 110/34229، ینابیع الموده ص 182، الاتحاف ص 46.

این روایت در کتب شیعه نیز موجود است که از جمله می‌توان به مصادر ذیل مراجعه نمود: تفسیر الامام العسکری - ذیل تفسیر سوره البقره، آیه 93- ص 434، کنز الفوائد ص 253، 254، 355، 356، تفسیر فرات، ص 437، 438/578. کسانی که مایل به بررسی بیشتر روایات شیعی در این باره هستند مراجعه بفرمایند به: بحارالانوار، ج 7/336، ج 32/610، ج 37/70، ج 43/52، 53، 62، 64، 219، 220، 221، 223، 224، ج 68/59.

3- تفسیر فرات، ص 444-447 ح 587/بحارالانوار ج 8/54، 227/43. این حدیث که توسط امیرالمؤمنین از پیامبر اکرم (علیهما السلام) نقل گردیده است نسبتاً طویل است و در آن به بعضی از مناقب حضرت زهرا (علیها السلام) - خصوصاً به موقف و مقام حضرت صدیقه در محشر - اشاره گردیده که ما به دلیل اهمیت آن، متن کامل روایت را در تعلیق شماره 5 آورده‌ایم.

4- تفسیر فرات ص 299/403، بحارالانوار 8/52، 43/65. متن کامل این روایت در تعلیق شماره 6 آمده است.

تنظیم گروه دین و اندیشه تبیان، ویرایش هدهدی.